**بررسی حکم فقهی بازی شطرنج در نگاه قدما و تبیین نظریه امام خمینی**

**استاد راهنما: حجت الاسلام و المسلمین کریمی**

**پژوهشگر: سید رضا تقوائیان**

**مقطع تحصیلی: پایه چهارم**

**درس پژوهشی: فقه**

**مرکز آموزشی: مدرسه علمیه علوی**

**سال تحصیلی 97 \_ 98**



**تقدیم**

این نگاشته اندک را به پیشگاه مقدس و باعظمت بانوی دو عالم، صدیقه کبری،حضرت زهرای اطهر(سلام الله عیها) تقدیم می نمایم.

**تقدیر**

از همه بزرگوارانی که بنده را در تهیه و نگارش این نوشته یاری نمودند، به ویژه معاونت محترم پژوهش مدرسه علمیه علوی، جناب حجت الاسلام و المسلمین عابدینی و استاد عزیز و بزرگوارم جناب حجت الاسلام و المسلمین کریمی، تقدیر و تشکر مینمایم.

**چکیده**

شطرنج را به لحاظ موضوعی مورد بحث قرار دادیم. به بیان چیستی آن پرداخته و تاریخچه و اصطکاک آن را با دنیای اسلام بررسی کردیم. آنچه که بعد از این بررسی روشن شد، این بود که شطرنج به خودی خود ویژگی خاصی برای اعمال حرمت از جانب شارع متعال ندارد. در اقوال برخی از قدما مانند شیخین و محقق و... حول مسئله شطرنج، استدلال خاصی نیافتیم. اما با برداشت از کلامشان، دریافتیم که شطرنج را تحت عناوینی که پررنگ ترین آنها عنوان قمار بود، حرام دانسته اند. اما با بررسی کلام فقهای متأخر، بخاطر روشن تر بودن استدلالهایشان به عنواین محرمه دیگری دست یافتیم. عناوینی همچون میسر، باطل و لهو. نکته ای که بسیار حایز اهمیت بود و در بررسی اقوال متأخرین روشن شد تقابل انصراف و اطلاق در برداشت از ادله بود. با رجوع به منابع دست اول روایی و روبرو شدن با روایات مورد بحث، فهمیدیم که احتمال انصراف ادله از فرض بازی شطرنج در زمانی که از آلیت قمار خارج شده است بسیار قوی است و اینگونه نیست که بتوان به سادگی اخذ به اطلاق ادله کرده و بازی شطرنج را در هر حال حرام دانست. در روایات عناوینی که قابلیت داشتند با عارض شدن بر شطرنج، شطرنج را تحریم کنند بررسی کردیم و در برخی با ادعای انصراف خدشه کردیم و در برخی دیگر با این مطلب که این عنوان نمیتواند ظهور در حرمت داشته باشد خدشه و اشکال کردیم. سرانجام با توجه به نامه هایی که بین امام(ره) و جناب قدیری رد و بدل شد فهمیدیم که مرحوم امام خمینی(ره) بررسی و استدلالات آیت الله خوانساری را مبنی بر خدشه در اطلاق ادله حرمت شطرنج قبول داشته و موافق با انصراف ادله میباشند. نکته ای که در بیانات امام خمینی(ره) حائز اهمیت بود، توجه ایشان به اقتضائات زمانه برای کشف ظهور ادله و قوت ادعای انصراف بود.

**کلید واژه**

شطرنج، قمار، امام خمینی، حرمت شطرنج، آلت قمار، جواز شطرنج، تحریم شطرنج

**فهرست مطالب**

[مقدمه 1](#_Toc35023509)

[فصل اول: معرفی شطرنج 2](#_Toc35023510)

[چیستی شطرنج 2](#_Toc35023511)

[تاریخچه شطرنج 2](#_Toc35023512)

[شطرنج و دنیای اسلام 3](#_Toc35023513)

[فصل دوم: بررسی حکم فقهی شطرنج در میان قدما 5](#_Toc35023514)

[شیخ صدوق 5](#_Toc35023515)

[شیخ مفید 6](#_Toc35023516)

[سید مرتضی 6](#_Toc35023517)

[ابو الصلاح حلبی 6](#_Toc35023518)

[قاضی سلّار 7](#_Toc35023519)

[شیخ طوسی 7](#_Toc35023520)

[ابن ادریس 8](#_Toc35023521)

[فاضل آبی 9](#_Toc35023522)

[محقق حلّی 9](#_Toc35023523)

[نتیجه 10](#_Toc35023524)

[فصل سوم: بررسی حکم فقهی شطرنج در میان متأخرین 11](#_Toc35023525)

[علّامه حلّی 11](#_Toc35023526)

[محقق کرکی 13](#_Toc35023527)

[شهید اول 13](#_Toc35023528)

[شهید ثانی 13](#_Toc35023529)

[محمد حسن نجفی، صاحب جواهر 14](#_Toc35023530)

[سید احمد خوانساری 16](#_Toc35023531)

[سید ابوالقاسم خوئی 17](#_Toc35023532)

[جواد تبریزی 18](#_Toc35023533)

[نتیجه 18](#_Toc35023534)

[فصل چهارم: بررسی شطرنج در روایات و تبیین نظریه امام خمینی(ره) 19](#_Toc35023535)

[بررسی عناوین محرمه شطرنج در روایات 19](#_Toc35023536)

[باطل 19](#_Toc35023537)

[میسر 20](#_Toc35023538)

[رجس 20](#_Toc35023539)

[مجلس غیر منظور خداوند متعال 20](#_Toc35023540)

[فرد غیر مغفور خداوند غفور 21](#_Toc35023541)

[مقلّب لحم خنزیر 22](#_Toc35023542)

[لهو(دَد) 22](#_Toc35023543)

[توضیح استدلال امام خمینی(ره) 22](#_Toc35023544)

[متن استفتاء 22](#_Toc35023545)

[اشکال حجت الاسلام قدیری به پاسخ امام 23](#_Toc35023546)

[توضیح استدلال امام خمینی(ره) با توجه به نامه جناب قدیری 23](#_Toc35023547)

[پاسخ امام به اشکال حجت الاسلام قدیری 23](#_Toc35023548)

[توضیح استدلال امام خمینی با توجه به پاسخ نامه به جناب قدیری 24](#_Toc35023549)

[جمع بندی استدلال امام خمینی(ره) 24](#_Toc35023550)

[نتیجه نهایی 25](#_Toc35023551)

[منابع و مآخذ 26](#_Toc35023552)

مقدمه

مهمترین مسئله ای که در این پژوهش مد نظر قرار گرفته است موضوع شناسی و مصداق یابی در فضای تغییر عناوین است. فرض مورد بحث عبارت است از بازی کردن با شطرنجی که دیگر آلت قمار نیست. با توجه به این موضوع، ابتدا باید شطرنج را به خودی خود بررسی کرد. اینکه شطرنج از دسته کدام بازیها محسوب میشود و از کجا آمده و در برخورد با اسلام چگونه بروز و ظهور داشته است. سپس با سیر در اقوال قدما میتوان دریافت که نظر قدما، نگاه قدما و رویکردشان نسبت به این مسئله و به این فرض چگونه بوده است. اصلا آیا ناظر به این فرض بحث کرده اند یا نه. گام بعد بررسی رویکرد و دیدگاه متاخرین از فقها میباشد. باید بررسی کرد که آیا تغییری در روند بحث متاخرین نسبت به قدما ایجاد شده است یا نه. پله بعد مربوط به منابع دست اول شریعت است. باید بررسی شود که قرآن و روایات در مواجهه با شطرنج، برخوردشان چگونه بوده است و چه سیاست گذاری را نسبت به این فرض مورد نظر اتخاذ کرده اند. در آخر نظریه فقیه عالی مقام امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار خواهد گرفت ان شاء الله.

برای شخصی که تازه وارد علم آموزی علم فقه شده است و در قرن 14 زندگی میکند و شاید به ذهن او هم خطور نکند که بازی فکری مثل شطرنج روزی حرام بوده است، از طرفی ذهیتی تعبدی به روایات و احادیث معصومین علیهم السلام دارد، بسیار منطقی است که وقتی مواجه با حکم فقهی بازی شطرنج نزد قدمای فقها میشود و روایات سنگین معصومین علیهم السلام را در مورد شطرنج میبیند، این سوال پیش بیاید که چگونه و با چه دلیلی فقیه بزرگی مانند امام خمینی این روایات و اقوال مشهور فقهای از قدما را نادیده گرفتند و فتوا به جواز بازی شطرنج داده اند؟

ضرورت این مسئله از آن جهت است که یک فقیه باید بتواند درک کند که چگونه فقیهی همچون امام خمینی، میتواند زوایای پنهان مسائل را ببیند و شرایط جامعه را درک کند و با توجه به مسئله ای که سالها بین فقها بوده اما به خاطر یک سری از شرایط مورد بررسی قرار نمیگرفته، فتوا را جور دیگری بیان کرده و رویکرد را نسبت به مسئله ای تغییر دهد. در واقع آنچه ضرورت دارد توجه به زمان و مکان و اقتضائات زمانه برای بررسی عناوین است که در این مسئله به خوبی خود را نمایان کرده است.

فصل اول: معرفی شطرنج

مهمترین دلیلی که باعث شد تا این عنوان را مورد بحث و بررسی قرار دهیم، این بود که میخواستیم بفهمیم که آیا در خود بازی شطرنج، ویژگی خاصی وجود دارد که بتواند مورد نفرت شارع متعال قرار گرفته و بخاطر آن ویژگی خاص، شطرنج فی نفسه و ذاتا تحریم شده باشد یا اینکه بخاطر عارض شدن عناوین دیگر شطرنج مورد تحریم قرار گرفته است؟

چیستی شطرنج

شطرنج یک بازی فکری دو نفره است. این بازی فکری، روی یک صفحه صورت میگیرد. صفحه بازی شطرنج به اندازه 8 خانه طول و 8 خانه عرض دارد. در مجموع صفحه شطرنج 64 خانه دارد که شامل 32 خانه سفید و 32 خانه سیاه رنگ میباشد. چینش خانه های سفید و سیاه به نحو یکی در میان است. یعنی یک خانه سیاه است و خانه بعدی سفید و بعدی سیاه و به همین ترتیب. هر یک از طرفین بازی در صفحه بازی، 16 مهره دارد. هر مهره حرکت خاص خود را دارد و به شیوه خاصی میتواند در صفحه بازی حرکت کند. بازی آنقدر ادامه پیدا میکند که به اصطلاح یک طرف کیش و مات شود. موفقیت در این بازی، بسیار بستگی به تیزهوشی و تحلیل های ذهنی دارد.

به نظر میرسد که بازی شطرنج تنها یک بازی فکری است که در خودش خصوصیتی برای مبغوض بودن نزد شارع متعال ندارد. به عبارت دیگر از نظر عقلایی و نه تعبدی، بعید است که خود شطرنج با این ویژگیهایی که دارد مورد تحریم واقع شود و مبغوضیتی نزد خداوند حکیم داشته باشد.

تاریخچه شطرنج

به نقل از سایت فدراسیون شطرنج جمهوری اسلامی ایران[[1]](#footnote-1):« با وجود پژوهشهای بسیار که به ویژه در قرن کنونی درباره پیدایش شطرنج و ابداع آن به عمل آمده است، تا کنون هیچ یک از پژوهشگران، چه خارجی و چه ایرانی، به نتیجه قطعی و روشنی دست نیافته اند. اما بررسی سابقه تاریخی شطرنج بر اساس مدارک مستند، گواه آن است که ایرانیان، قبل از دوران ساسانیان یعنی نزدیک به دو هزار سال قبل با شطرنج آشنا بوده‌‌اند.

با توجه به عواملی مانند قدمت تاریخی، بررسی اصطلاح های علم شطرنج بر پایه اصول دانش زبان شناسی و هماهنگی شطرنج با فرهنگ اجتماعی ایرانیان، می توان پذیرفت که این هنر چنان که امروز متداول و مطلوب جهانیان می باشد، فن تکامل یافته ای است با سابقه دو هزار ساله که بدون تردید از ایران سر بر آورده است. ایرانیان در دوران پیش از اسلام برای پایه گذاری شطرنج گام های اساسی برداشته بودند و پس از اسلام نیز استادان ایرانی تا قرن شانزدهم میلادی در پرورش و گسترش آن تلاشی پر ارج معمول داشته اند.

پس از رنسانس و در اواخر قرن پانزدهم میلادی، شطرنج در قاره اروپا متحول گردید و تغییرات مهمی در حرکات مهره‌ها به ویژه حرکت وزیر، فیل و طرز قلعه رفتن و گرفتن پیاده در حین عبور و... داده شد. به عبارت دیگر، شطرنج نوین که امروزه در سراسر دنیا از جمله کشور ما رایج است، پدید آمد.»

در نقل دیگری از سایت خبرنگاران جوان[[2]](#footnote-2):« شطرنج یکی از کهن‌ترین بازی‌هایی‌است که امروزه نیز در میان مردم جهان رواج دارد؛ به‌طوری‌که قدمت این بازی را بیش از ۱۵۰۰ سال رقم زده‌اند. شطرنج اختراع ایرانیان است. عده‌ای هم آن را ابداعِ هندیان، یونانیان، رومیان، بابلی‌ها، سکاها، مصریان، یهودیان، چینی‌ها و اعراب دانسته‌اند. اما آن‌چه که بیش از هر رأی دیگری موردِ پذیرش است، این که شطرنج در اصل هندی بوده، سپس از هند به ایران آورده شده، از ایران به عرب‌ها و جهان اسلام گسترش یافته، و سرانجام از جهانِ اسلام به اروپا رفته‌ است. در اروپای قرن پانزدهم، شطرنج به شیوه امروزین آن درآمد؛ و در نیمه دوم قرن نوزدهم، مسابقات جهانی شطرنج آغاز گردید. در قرن بیستم، فدراسیون جهانی شطرنج تاسیس شد.»

شطرنج و دنیای اسلام

به نقل از سایت نوفه[[3]](#footnote-3):« در مورد آشنایی اعراب با شطرنج، به نظر می رسد که شطرنج پس از فتح ایران به دنیای اسلام وارد شد. از این رو عده ای احادیثی را که درباره ی تحریم شطرنج به پیامبر نسبت داده می شود صحیح نمی دانند. چرا که شطرنج تا زمان عمر (خلیفه ی دوم) در میان اعراب رواج نیافته بود، اما مدارک بسیاری در دست است که برخی از صحابه و تابعین با شطرنج آشنا بوده اند. ابن عباس و همچنین ابوهریره و هشام بن عروه که دخترانش (صفیه، عایشه و عبیده) در شطرنج سرآمد بودند، آن را جایز می دانستند.در دوره ی عباسیان شطرنج انتشار وسیعی یافت.

در زمان هارون الرشید شطرنج به اوج خود رسید. امین پسر رشید نیز بسیار به شطرنج علاقه مند بود و در هر سوی کشور افراد نابغه در شطرنج را می جست و آنان را غرق در عطایا می کرد و بهترین ساعات عمر خود را هنگامی می دانست که به بازی شطرنج مشغول باشد. در عهد مأمون برای اولین بار القابی برای شطرنج بازان وضع شد که از جمله آنان لقب “عالیه” بود. شمار کسانی که دارای این لقب بودند در هیچ زمانی از ۳ نفر تجاوز نکرد و گاه تنها یک نفر این لقب را داشت. در آن عصر شطرنج به حدی رواج یافت که به صورت جزئی از حیات عامه درآمد و به نماد تمدن آن دوران تبدیل شده بود.

با سقوط بغداد به دست مغولان، مرکز شطرنج از بغداد به مصر و شام و از آن جا به آندولس و جنوب اروپا منتقل شد. در این دوران شطرنج به خصوص در میان مسلمانان شمال آفریقا رواج داشت. از شمال آفریقا شطرنج به اسپانیا و ایتالیا راه یافت و بعد ها جای خود را در کشور های اروپایی باز کرد.»

فصل دوم: بررسی حکم فقهی شطرنج در میان قدما

در دستیابی به حکم فقهی شطرنج، تراث فقه بسیار اهمیت دارد. زیرا به نظر میرسد که قدمای از فقها بخاطر نزدیکتر بودنشان به زمان معصوم(علیه السلام) فهم و ارتکاز بهتری به ادله و روایات دارند. لذا اقوال آن ها برای دستیابی به نوع نگاهشان به ادله مورد اهمیت است. بنابراین بررسی اقوالشان حول هر مسئله فقهی ازجمله مسئله شطرنج که نوعی دگرگونی در حکم آن یافت میشود ضروری به نظر میرسد.

شیخ صدوق

جناب شیخ صدوق رحمة الله علیه اینگونه میفرمایند:« و اعلم أن الشّطرنج قد روي فيه نهي و إطلاق، و لكنّي رويت أنّ رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم قال: إذا ورد عليكم حديثان مختلفان، فاعرضوهما على كتاب الله، فما وافق‌ كتاب الله فخذوه، و ما خالف كتاب الله فذروه، فوجدنا الله يقول (في كتابه): فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ و في التفسير إنّ الرّجس من الأوثان: الشّطرنج، و قول الزّور: الغناء. فالصّواب و الاحتياط في ذلك نهي النّفس عنه، و اللّعب به ذنب.»(شیخ صدوق، المقنع ،1415ه.ق، ص 457)

آنچه که از کلام ایشان بدست می آید این مطلب است که دو طایفه روایت در باب شطرنج موجود است. دسته ای که بیان میکند که شطرنج منهی عنه و حرام است و دسته ای که مطلق بیان شده و حرمت شطرنج در آن وجود ندارد. در ادامه شیخ صدوق، با آوردن یک آیه از قرآن و با توجه به یک تفسیر روایی در ذیل آن آیه، حرمت شطرنج را موافق با قرآن میدانند و در تعارض دو طایفه روایات، با استناد به روایت پیامبر صلی الله علیه و آله در باب پیگیری احتیاط در هنگام تعارض، جانب احتیاط را در پیش گرفته و لعب یا بازی شطرنج را حرام اعلام میکنند.

شیخ مفید

جناب شیخ مفید رحمة الله علیه در کتاب المتاجر، ذیل بحث مکاسبی که شارع متعال آنها را حرام فرموده اینگونه بیان میکنند:« و عمل الأصنام و الصلبان و التماثيل المجسمة و الشطرنج و النرد و ما أشبه ذلك حرام و بيعه و ابتياعه حرام.»(شیخ مفید، المقنعه، 1413ه.ق، ص587)

شیخ مفید شطرنج را در کنار بازی نرد قرار داده اند و کسب از طریق شطرنج را حرام دانسته اند. همچنین خرید و فروش بازی شطرنج را هم حرام دانسته اند. فرمایش ایشان با توجه به اینکه ذیل مکاسب محرمه واقع شده است را میتوان اینگونه بیان کرد که لعب شطرنجی که از آن تکسب میشود حرام است. تکسب به شطرنج هم انصراف به قمار با شطرنج دارد. در اینصورت جان کلام جناب شیخ مفید این است که بازی شطرنجی که همراه با آن قمار شده است حرمت دارد و اگر قمار با آن نشود، حرمت ندارد.

سید مرتضی

جناب سید مرتضی رحمة الله علیه در حکم فقهی لعب شطرنج اینگونه فرموده اند:« المسألة الخامسة و الأربعون: لعب الشطرنج و النرد. الجواب: اللعب بالشطرنج و النرد محرم محظور،و اللعب بالنرد أغلظ و أعظم عقابا. »(سید مترضی، رسائل الشریف المرتضی، 1405ه.ق، ج اول،ص295)

جناب سید مرتضی لعب شطرنج را حرام دانسته اند و این حرمت را به خود لعب شطرنج نسبت داده اند. ضمن اینکه عنوان دیگری برای حرمت لعب شطرنج بیان نفرموده اند. ظاهر این عبارت نشان میدهد که نزد سید مرتضی، خود شطرنج فی نفسه یک ویژگی دارد که باعث شده حرام شود نه اینکه تحت یک عنوان بالاتر قرار گرفته باشد و حرمت در واقع متعلق به آن عنوان عام باشد. اما بعید نیست که ایشان هم یک سری عناوینی در ذهنشان بوده است که بخاطر آن عناوین لعب شطرنج را حرام دانسته اند هرچند که عبارتشان را طوری آورده اند که ظاهرش این است که شطرنج فی نفسه حرمت دارد.

ابو الصلاح حلبی

مرحوم ابوالصلاح حلبی رحمة الله علیه، در فصلی که در مورد چیزهایی است که انجام آن حرام است (فصل فیما یحرم فعله)، اینگونه در مورد شطرنج فتوای خود را بیان میکنند:« یحرم آلات الملاهي كالعود و الطنبور و الطبل و المزمار و أمثال ذلك، و أعمالها للإطراب بها، و الغناء كله، و النوح بالباطل، و مدح من يستحق الذم و ذم من يستحق المدح بمنظوم أو منثور من الكلام، و عمل النرد و الشطرنج و سائر آلات القمار، و اللعب بها، و القمار و... »(ابو الصلاح حلبی، الکافی فی الفقه،1403 ه.ق، ص281)

شطرنج عطف به سایر آلات قمار شده است. این قرینه است بر این مطلب که مناط حرمت شطرنج، آلت قمار بودن است. به عبارت دیگر، شطرنج به این خاطر حرام شده است که از آلات قمار محسوب میشود. پس با توجه به این نکته میتوان گفت که طبق نظر جناب ابو الصلاح، اگر شطرنج از آلات قمار خارج شود و دیگر از آلات قمار محسوب نشود، حرمت لعب آن هم از بین خواهد رفت.

قاضی سلّار

جناب قاضی سلّار در بخشی که به مکاسب محرمه پرداخته اند، تعبیری همانند تعبیر شیخ مفید را در باب شطرنج استفاده کرده اند. عبارت ایشان به این نحو است:« فأما المحرم: فبيع كل غصب و .... و عمل الأصنام و الصلبان، و كل آلة تظن الكفار أنها آلة عبادة لهم، و التماثيل المجسمة، و الشطرنج و النرد و ما أشبه ذلك من آلات اللعب و القمار و بيعه و ابتياعه.»(سلّار، المراسم العلویه و الاحکام النبویه، 1404ه.ق، ص170)

در عبارتی که شیخ مفید آورده بودند، تفسیری از «ما أشبه ذالک» ارائه نداده بودند. اما جناب سلّار از عبارت مذکور تفسیری ارائه میدهند که بیانگر نکته مهمی است. ایشان در تفسیرشان از آن عبارت، آلات قمار را بیان میکنند. این تفسیر نشان میدهد که شطرنج به این خاطر که از آلات قمار است حرام شده است بنابراین مفهوم کلام جناب سلّار این است که اگر شطرنج از آلات قمار خارج شود، لعب با آن حرمت نخواهد داشت.

شیخ طوسی

مرحوم شیخ الطائفه، شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه در باب شهادات، در دو عبارت جداگانه در مورد شطرنج و شطرنج باز بحث کرده اند:« اللاعب بالشطرنج عندنا لا تقبل شهادته بحال‌، و كذلك النرد و الأربعة عشر، و غير ذلك من أنواع القمار، سواء كان على وجه المقامرة أو لم يكن ..... قد بينا أن سائر أنواع القمار من النرد و الأربعة عشر حكمه حكم الشطرنج يفسق به و يرد به شهادته.»(شیخ طوسی،المبسوط فی فقه الامامیه، 1387ه.ق،ج 8، ص 221)

آنگونه که از کلام شیخ طوسی فهم این است که اولا شخصی که شطرنج بازی میکند، بخاطر این فعل او فاسق میشود و شهادت نمیتواند بدهد. پس لعب شطرنج حرام است و عدالت را خدشه دار میکند. در عبارت بعدی به این مطلب تصریح میکنند و شطرنج را ذیل عنوان آلات قمار قرار داده و حرمت و فسق آوری آن را بیان میکنند. پس از کلام شیخ الطائفه میتوان این نتیجه را گرفت که اگر شطرنج از آلات قمار خارج شود، فسق آور و حرام نیست.

شیخ طوسی در یک کتاب دیگرشان عبارتی در مورد تکسب به شطرنج دارند که کمک کننده است:«و منها عمل جميع أنواع الملاهي و التّجارة فيها و التكسّب بها، مثل العيدان و الطنابير و غيرهما من أنواع الأباطيل، محرّم محظور. و عمل الأصنام و الصلبان و التّماثيل المجسّمة و الصّور و الشّطرنج و النّرد و سائر أنواع القمار حتى لعب الصّبيان بالجوز، فالتّجارة فيها و التّصرّف و التكسّب بها حرام محظور.»(شیخ طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، 1400ه.ق، ص 363)

از این کلام شیخ طوسی نیز این مطلب بدست می آید که شطرنج که از آلات قمار است، هرگونه تکسب و تصرف و تجارت با آن حرام است. پس اگر از آلات قمار نباشد، دیگر این حرمتها نخواهد داشت.

ابن ادریس

مرحوم ابن ادریس قدّس الله سرّه در باب «ضروب المکاسب»، ذیل مکاسب حرام، این عبارت را بیان فرموده اند:« المكاسب على ثلاثة أضرب: محظور على كل حال، و مكروه، و مباح على كل حال، فأمّا المحظور على كلّ حال، .... و الشطرنج، و النرد، و جميع ما خالف ذلك، من سائر آلات القمار، كاللعب بالخاتم، و الأربعة عشر، و بيوت الرعاة، و اللّعب بالجوز، و الطيور، و ما جرى مجرى ذلك.»(ابن ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، 1410ه.ق، ج 2، ص215)

ایشان در ذیل عنوان مکاسب محرمه ای که در هر حال حرام اند، عنوان آلات قمار را بیان کردند و در ذیل آن، شطرنج را مثال زده اند. بله، آلات قمار در هر حال تکسب بهشان حرام است اما مصادیق آن تا زمانی حکم حرمت را دارند که از آلات قمار محسوب بشوند. با این بیان، مشخص میشود که شطرنج اگر آلت قمار نباشد حرمتی نخواهد داشت. همچنین بالاتر از این مطلب میتوان گفت که تکسب به شطرنج که همان تکسب به قمار است، حرام است نه لعب شطرنج. یعنی ممکن است بگوییم که اگر شطرنج ولو اینکه از آلات قمار باشد با آن قمار نشود و صرف لعب با آن صورت گیرد، بازهم حرام نیست.

در ادامه جناب ابن ادریس یک روایت را از کتاب جامع بزنطی به نقل از ابی بصیر نقل میکنند که محتوای بسیار سنگینی در مورد شطرنج و شطرنج باز دارد. مشکل این روایت این است که سند آن به طور کامل مشخص نیست و ناقل بین ابن ادریس و بزنطی مجهول است. متن روایت اینگونه است:« عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ بَيْعُ الشِّطْرَنْجِ حَرَامٌ وَ أَكْلُ ثَمَنِهِ سُحْتٌ وَ اتِّخَاذُهَا كُفْرٌ وَ اللَّعِبُ بِهَا شِرْكٌ وَ السَّلَامُ عَلَى اللَّاهِي بِهَا مَعْصِيَةٌ وَ كَبِيرَةٌ مُوبِقَةٌ وَ الْخَائِضُ يَدَهُ فِيهَا كَالْخَائِضِ يَدَهُ فِي لَحْمِ الْخِنْزِيرِ وَ لَا صَلَاةَ لَهُ حَتَّى يَغْسِلَ يَدَهُ كَمَا يَغْسِلُهَا مِنْ مَسِّ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ وَ النَّاظِرُ إِلَيْهَا كَالنَّاظِرِ فِي فَرْجِ أُمِّهِ وَ اللَّاهِي بِهَا وَ النَّاظِرُ إِلَيْهَا فِي حَالِ مَا يُلْهَى بِهَا وَ السَّلَامُ عَلَى اللَّاهِي بِهَا فِي حَالَتِهِ تِلْكَ فِي الْإِثْمِ سَوَاءٌ وَ مَنْ جَلَسَ عَلَى اللَّعِبِ بِهَا فَقَدْ تَبَوَّأَ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ وَ كَانَ عَيْشُهُ ذَلِكَ حَسْرَةً عَلَيْهِ فِي الْقِيَامَةِ وَ إِيَّاكَ وَ مُجَالَسَةَ اللَّاهِي الْمَغْرُورِ بِلَعِبِهَا فَإِنَّهُ مِنَ الْمَجَالِسِ الَّتِي قَدْ بَاءَ أَهْلُهَا بِسَخَطٍ مِنَ اللّٰهِ يَتَوَقَّعُونَهُ كُلَّ سَاعَةٍ فَيَعُمُّكَ مَعَهُمْ‌.»

معنای این روایت بدین بیان است:« امام صادق(ع) می فرماید: خرید و فروش [شطرنج حرام و خوردن بهای آن سحت و](https://hawzah.net/fa/Article/View/86007/%D9%85%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C%20%D9%81%D9%82%D9%87%DB%8C%20%D8%A8%D8%A7%D8%B2%DB%8C%20%D8%A8%D8%A7%20%D8%B4%D8%B7%D8%B1%D9%86%D8%AC%20%D8%A7%D8%B2%20%D9%86%DA%AF%D8%A7%D9%87%20%D8%A2%DB%8C%D9%87%20%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%91%D9%87%20%D8%B3%DB%8C%D8%AF%20%D8%A7%D8%AD%D9%85%D8%AF%20%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D8%B1%DB%8C#TextH366200I6123) گرفتن آن موجب کفر و بازی با آن شرک و سلام کردن بر بازی کننده آن گناه کبیره و موجب خلود در عذاب است. دست بردن به سوی آن مانند دست بردن به طرف گوشت خوک است. پیش از شستن دست، نماز صحیح نیست همان گونه که از مس میت شسته می شود. نگاه کننده به آن مانند نگاه کننده به فرج مادرش است و بازی کننده با آن و نگاه کردن به آن در حالی که با آن بازی می شود و سلام کردن بر بازی کننده آن در حال بازی در گناه برابرند و هر کس برای بازی با آن بنشیند نشیمن گاهش پر از آتش می شود و زندگی او در قیامت افسوس خواهد بود. بپرهیز از همنشین شدن با بازی کننده و فریب خورده به شطرنج زیرا این همنشینی است که خشم خود را با اهلش همراه دارد و باید در هر لحظه در انتظار آن باشند پس تو را نیز فراگیر خواهد بود.»

آنچه که از این روایت با این محتوای سنگین و شدید در مورد لاعب شطرنج و خود شطرنج میتوان فهمید این است که خود شطرنج نزد شارع متعال قباحت و پستی و مفسده شدید دارد که حرام شده و این احکام سنگین برای او جاری است. اما این روایت ضعف سندی دارد و قابل احتجاج برای این مطلب که خود شطرنج فی نفسه حرمت دارد نمیباشد. در ادامه بیشتر به این روایت و روایات دیگر پرداخته خواهد شد. ان شاء الله.

فاضل آبی

جناب فاضل آبی رحمة الله علیه در کتاب التجاره ذیل فصل «فیما یکتسب به» قسمت «المحرم منه» اینگونه بیان میکنند:« الآلات المحرّمة كالعود و الطبل و الزّمر و هياكل العبادة المبتدعة، كالصنم و الصليب، و آلات القمار، كالنرد و الشطرنج. »(حسن بن ابی طالب، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع 1417ه.ق، ج1، ص 437)

از کلام جناب فاضل آبی اینگونه بر می آید که شطرنج را به عنوان مصداقی برای آلات قمار برشمرده اند و تکسب به آلات قمار و بالتبع تکسب به شطرنج را که انصراف به تکسب از طریق قمار دارد حرام دانسته اند. کلام ایشان میتواند این مفهوم را داشته باشد که اگر شطرنج از آلات قمار خارج شود و به وسیله آن قمار که تکسبی حرام است صورت نگیرد، لعب با شطرنج حرمتی نخواهد داشت.

محقق حلّی

جناب محقق حلّی رحمة الله علیه در ذیل عنوان « ما یحرم لتحریم ما قصد به» که عنوانی دارای مفهوم مهم است اینگونه بیان میکنند:« ما يحرم لتحريم ما قصد به. كآلات اللهو مثل العود و المزمر و هياكل العبادة المبتدعة كالصليب و الصنم و آلات القمار كالنرد و الشطرنج و ... »(جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، 1408 ه.ق، ج 2، ص3)

عنوانی که محقق حلّی به کار برده اند بسیار مهم است. معنای عنوان مذکور، « آنچه که بخاطر حرمت چیزی که برای آن قصد شده، حرام شده است » میباشد. به عبارت ساده تر، محرماتی که تحت این عنوان خواهد آمد، نه بخاطر خودشان بلکه بخاطر قصد حرامی که از آنها شده است حرام شده اند. حال با توجه به این نکته، باید گفت که آلات قمار و مصداق آن شطرنج به خودی خود حرمتی ندارند بلکه بخاطر قمار و تکسب حرام، حرام شده اند. لذا شاید به سادگی بتوان گفت که اگر از شطرنج در قمار استفاده نشود و از آلات قمار خارج شود، دیگر لعب آن حرمتی نخواهد داشت.

نتیجه

در بین بیانات فقهایی که در این فصل آورده شد، هیچ یک از فقها قائل به حلیّت لعب شطرنج نبودند. بلکه جملگی لعب، بیع و ابتیاع و هرگونه تکسب به آن را حرام میدانستند. تنها در کلام برخی از آنها توانستیم از کلماتشان مفهوم گیری کرده و بگوییم که این حرمت نه بخاطر خود شطرنج که بخاطر عارض شدن عناوین دیگری است. یکی از فصول را به عنواین محرّمه شطرنج اختصاص داده و در آن فصل بیشتر به این عناوین میپردازیم.

فصل سوم: بررسی حکم فقهی شطرنج در میان متأخرین

خصوصیت متأخرین این است که کتبشان بیشتر در دسترس است و همچنین اهتمام آنها به بحث استدلالی بیشتر است. لذا با بررسی اقوال متاخرین میتوان به استدلالاتی که در بحث قابلیت مطرح شدن دارد دست پیدا کرد و نوع نگاه آنها و ورود و خروج آنها به بحث را مورد بررسی قرار داد. همچنین برخی از متأخرین که نزدیک به عصر قدما بودند میتوانند مفسرهایی برای کلام قدما باشند. از این جهت است که بررسی اقوال متأخرین مهم است.

علّامه حلّی

علّامه حلّی رحمة الله علیه در ذیل عنوان « یحرم التکسب بکلّ ما یکون المقصود منه حراما » و عنوان « القمار حرام» اینگونه بیان میکنند:« آلات اللهو مثل العود و الزمر، و هياكل العبادة، كالصليب و الصنم، و آلات القمار،كالشطرنج و النرد و الأربعة عشر،... العاشر: القمار حرام، و كذا ما يؤخذ بسببه، حتّى لعب الصبيان بالجوز و الخاتم و الشطرنج.»(حسن بن یوسف، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الإمامیه(ط\_الحدیثه) ، 1420ه.ق، ج2، ص260)

در عنوان اول، مرحوم علامه شطرنج را مثال میزنند. ایشان تکسب به شطرنج را به این خاطر حرام میدانند که از آلات قمار است و قصد از آن که قمار میباشد، حرام است. اما در ذیل عنوان دوم که حرمت قمار است، میفرمایند که اسباب قمار هم حرام است. مفهوم این بیان این است که هر آنچه سبب قمار باشد، لعب با آن حرام است. پس حرمت شطرنج حرمت ذاتی نیست بلکه بخاطر بار شدن عنوان قمار بر آن است. در اینصورت اگر شطرنج از آلات قمار و اسباب آن محسوب نشود، دیگر لعب و تکسب به آن بدون قمار جایز خواهد بود.

مرحوم علّامه در جای دیگری ذیل مسئله «القمار حرام» حرمت شطرنج را بخاطر ذیل آلات قمار قرار گرفتن ثابت میکنند. متن فرمایشات علّامه به این بیان است:« مسألة: القمار حرام‌. بلا خلاف بين العلماء، و كذا ما يؤخذ منه. قال اللّه تعالى: إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصابُ وَ الْأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ\* إِنَّما يُرِيدُ الشَّيْطانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَداوَةَ وَ الْبَغْضاءَ فِي الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ وَ يَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللّهِ وَ عَنِ الصَّلاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ. و في هذه الآية دلالة على تحريم الخمر و القمار من عشرة أوجه.

و قد روى الشيخ عن إسحاق بن عمّار، قال: قلت لأبي عبد اللّه عليه السلام: الصبيان يلعبون بالجوز و البيض و يقامرون، فقال: «لا تأكل منه فإنّه حرام»‌. و عن السكونيّ، عن أبي عبد اللّه عليه السلام، قال: كان ينهى عن الجوز يجئ به الصبيان من القمار أن يؤكل و قال: «هو سحت»‌. و عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام، قال: «لمّا أنزل اللّه تعالى على رسوله صلّى اللّه عليه و آله: إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصابُ وَ الْأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ‌ الشَّيْطانِ قيل: يا رسول اللّه ما الميسر؟ قال: كلّ ما تقومر به حتّى الكعاب و الجوز، فقيل: ما الأنصاب؟ قال: ما ذبحوا لآلهتهم، قيل: فما الأزلام؟ قال: قداحهم التي كانوا يستقسمون بها»‌.

إذا ثبت هذا: فإنّ جميع أنواع القمار حرام من اللعب بالنرد، و الشطرنج، و الأربعة عشر، و اللعب بالخاتم حتّى لعب الصبيان بالجوز على ما تضمّنته الأحاديث، ذهب إليه علماؤنا أجمع.

و قال الشافعيّ: يجوز اللعب بالشطرنج، و قال أبو حنيفة بقولنا. لنا: ما تقدّم، و ما رواه الجمهور عن النبيّ صلّى اللّه عليه و آله أنّه قال: «من لعب بالشطرنج و النردشير فكأنّما غمس يده في دم خنزير»‌. و قوله عليه السلام: «ما أنا من دد(لهو و لعب) و لا الدد منّي»‌. و الشطرنج لعب، فكان مجتنبا. احتجّ الشافعيّ: بأنّ فيه يستجيد الخاطر، فكان محمودا. و هو ضعيف.»(حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، 1414ه.ق، ج15، ص376)

در گام اول، علامه حلی با استناد به آیه قرآن حرمت قمار و تبع شطرنج را اثبات میکنند. به نظر میرسد ایشان از ظهور «فاجتنبوه» که صیغه امر است در وجوب استفاده کرده اند. این امر به معنای وجوب ترک است که مفاد حرمت میباشد. اما مرجع ضمیر « ه » کلمه «رجس» میباشد. با این تفسیر آنچه که حرمت دارد و نباید انجام شود، رجس است. خداوند متعال در ابتدای آیه، چهار مورد از مصادیق رجس را بیان فرموده است. یکی از این مصادیق «میسر» میباشد. میسر به معنای هر آن چیزی است که قمار روی آن صورت میگیرد. این معنا مستفاد از روایات است که بعدا بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بنابراین، خداوند امر کرده است به اجتناب و ترک رجس. یکی از مصادیق رجس، میسر است. میسر هر آن چیزی است که قمار با آن میشود. شطرنج هم یکی از آن اشیائی است که با آن قمار میشود. پس باید از آن اجتناب شود.

در گام دوم، با استدلال به چند روایت، حرمت شطرنج در صورتی که با آن قمار صورت گیرد را باز اثبات میکنند. در این استدلال مانند استدلال قبل، فرقی ندارد که شطرنج باشد یا لعب دیگر بلکه عنوان قمار بر هر لعبی که عارض شود، حرام میشود.

در گام سوم، مرحوم علّامه با استناد به روایتی که در باب لهو و لعب از پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله نقل شده است، حرمت شطرنج را نه بخاطر قمار که بخاطر اینکه لهو است اثبات میکنند. روایت اینگونه است که:« من از لهو و لعب نیستم و لهو و لعب از من نیست». علامه با این بیان که شطرنج هم لهو است، ثابت میکنند که شطرنج مجتنب و متروک است.

در نهایت باید گفت که علامه از دو جهت شطرنج را حرام میدانند. هم از جهت آلت قمار بودن و اینکه با آن قمار صورت میگیرد و هم از جهت لهو و لعب بودن. پس اگر یک روزی شطرنج از آلات قمار هم خارج شود و دیگر با آن قمار نشود، بازهم حرمت دارد.

محقق کرکی

محقق کرکی ذیل عنوان «ما نصّ الشرع علی تحریمه عینا» در بحث حرمت قمار اینگونه بیان میکنند:« قوله: (و القمار حرام). أي: عمله، و هو: اللعب بالآلات المعدة له على اختلاف أنواعها، من الشطرنج و النرد و غير ذلك، و أصل القمار: الرهن على اللعب بشي‌ء من هذه الأشياء، و ربما أطلق على اللعب بها مطلقا، و لا ريب في تحريم اللعب بذلك و إن لم يكن رهن، و الاكتساب به، و بعمل آلاته.»(علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، 1414ه.ق، ج4، ص 24)

جناب محقق کرکی، در ابتدا برای توضیح عبارت « القمار حرام» بیان میکنند که منظور عمل قمار است که به این معناست که بازی با آلات معده یا مختصه قمار که بیان باشد از شطرنج و نرد حرام میباشد. اما در ادامه تعریف قمار را بیان میکنند. ایشان مقومات قمار را رهن و لعب با آلات مختصه میدانند. سپس تعریفی دیگری که گویا مد نظر خود ایشان است از قمار ارائه میدهند. در این تعریف جدید، تنها مؤلفه مقوم قمار، لعب با آلات مختصه قمار است. در نهایت طبق تعریف جدید از قمار این نتیجه را میگیرند که هر لعبی که از آلات قمار محسوب شود ولو رهن و اکتسابی در کار نباشد، حرمت دارد.

در نهایت باید گفت که ایشان، حرمت شطرنج را ذیل سایه حرمت قمار میدانند. فرقی ندارد که چه تعریفی از قمار ارائه میدهند. مهم این است که شطرنج را فی نفسه حرام نمیدانند بلکه حد اقل به این خاطر حرام میدانند که از آلات قمار است. با این تفسیر، میتوان گفت که طبق نظر ایشان اگر شطرنج از آلات مختصه قمار خارج شود، لعب با آن حرمتی نخواهد داشت.

شهید اول

شهید اول رضوان الله تعالی علیه در کتاب المتاجر، بحث تکسبی که عین مورد کسب آن حرام است و حرمت تکسب بخاطر در واقع عوض و معوض است، اینگونه بیان میفرمایند:« فَالْمُحَرَّمُ: الْأَعْيَانُ النَّجِسَةُ، ... وَ آلَاتُ اللَّهْوِ وَ الصَّنَمُ وَ الصَّلِيبُ وَ آلَاتُ الْقِمَارِ كَالنَّرْدِ وَ الشِّطْرَنْجِ وَ الْبُقَّيْرَى.»(محمد بن مکی، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، 1410ه.ق، ص103)

آنچه که از این فتوای مرحوم شهید اول برداشت میشود این است که خرید و فروش شطرنج، بخاطر اینکه از آلات قمار محسوب میشود حرام است. وقتی خرید و فروش آن حرمت دارد، لعب با آن هم حرمت دارد و حرمت آن هم بخاطر این است که از آلات قمار میباشد. بنا بر این اگر زمانی برسد که شطرنج دیگر از آلات قمار محسوب نشود، نه از حیث لعب و از حیث خرید و فروش حرمتی نخواهد داشت.

شهید ثانی

مرحوم شهید ثانی قدّس الله سرّه در ذیل فتوای صاحب شرائع مبنی بر حرمت لعب با آلات قمار، اینگونه بیان میکنند:« قوله: «اللعب بآلات القمار. إلخ». مذهب الأصحاب تحريم اللّعب بآلات القمار كلّها، من الشطرنج و النرد و الأربعة عشر و غيرها. و وافقهم على ذلك جماعة من العامّة، منهم أبو حنيفة و مالك و بعض الشافعيّة. و رووا عن النبيّ صلّى اللّه عليه و آله أنه قال: «من لعب بالنرد فقد عصى اللّه و رسوله. و في رواية أخرى أنه «من لعب بالنردشير فكأنّما غمس يده في لحم الخنزير».

و روى الأصحاب عن الصادق عليه السلام قال: «قال أمير المؤمنين عليه السلام:الشطرنج و النرد هما الميسر». و عن الصادق عليه السلام قال: «إنّ للّه عزّ و جلّ في كلّ ليلة من شهر رمضان عتقاء من النار، إلّا من أفطر على مسكر، أو مشاحن، أو صاحب شاهين، قلت: و أيّ شي‌ء صاحب شاهين؟ قال: الشطرنج».

و روى معمّر بن خلّاد في الصحيح عن أبي الحسن عليه السلام قال: «النرد و الشطرنج و الأربعة عشر بمنزلة واحدة، و كلّ ما قومر عليه فهو ميسر». و في معناها أخبار كثيرة. و ظاهر النهي أنها من الصغائر، فلا يقدح في العدالة إلا مع الإصرار عليها.»(زین الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، 1413ه.ق، ج14، ص 176)

مرحوم شهید ثانی، ضمن بیان اینکه مذهب اصحاب امامیه بر تحریم لعب با آلات قمار است، موافقت برخی از اصحاب عامه را طبق این فتوا نیز بیان میکنند. سپس ایشان پنج روایت را نقل میکنند. روایت اول و دوم منقول از اصحاب عامه میباشد که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل میکنند که هر کس با نرد که از آلات مختصه قمار است بازی کند، خدا و رسولش را عصیان کرده است و هر کس با نردشیر که بازهم از آلات مختصه قمار محسوب میشده است بازی کند، گویا که دستش را در گوشت خوک فرو برده است.

در ادامه سه روایت از امامیه نقل میکنند. مضمون روایت اول این است که شطرنج و نرد "میسر" است. مفاد روایت دوم هم اینگونه است که روزه داران هر شب از ماه رمضان از آتش جهم آزاد میشوند به جز سه دسته که یکی از آن دسته ها کسی است که شطرنج باز است. پس بدین معنی است که شطرنج باز در ماه رمضان مورد آمرزش خداوند متعال واقع نمیشود. در روایت سوم هم سه بازی که یکی از آنها شطرنج است در یک دسته قرار داده شده و سپس در یک قاعده کلی بیان شده که هر آنچه که با آن قمار میشود "میسر" است.

در ذیل عنوان میسر، به نظر میرسد که استدلال فقها و شهید ثانی با آیه 90 سوره مائده « يا أَيُّهَا اَلَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا اَلْخَمْرُ وَ اَلْمَيْسِرُ وَ اَلْأَنْصابُ وَ اَلْأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ اَلشَّيْطانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ » ، کامل میشود. ظهور امری که مفاد آن ترک میسر است، در وجوب است. لذا حرمت انجام میسر بدست می آید.

اما شهید ثانی در پایان بیان میکنند که این نهی هایی که در روایات آمده است، ظاهرش این است که دال بر گناهان صغیره میباشد. بنابراین ایشان هم حرمت لعب شطرنج را قبول میکنند ولو اینکه از صغائر باشد.

محمد حسن نجفی، صاحب جواهر

مرحوم صاحب جواهر قدّس الله سرّه در بخش انواع مکاسب محرمه، نوع دوم مکاسب محرمه که « مما یحرم لتحریم ما قصد به » نام دارد، مرحوم صاحب جواهر رضوان الله تعالی علیه میفرمایند:«النوع الثاني مما يحرم التكسب به لتحريم ما قصد به من الغايات التي وضع لها الشي‌ء كآلات اللهو مثل العود و الزمر و هياكل العبادة المبتدعة كالصليب و الصنم و آلة القمار كالنرد و الشطرنج و نحو ذلك بلا خلاف أجده فيه بل الإجماع بقسميه عليه و النصوص ففي‌ خبر تحف العقول عن الصادق عليه السلام «إنما حرم الله الصناعات التي هي حرام كلها، التي يجي‌ء منها الفساد محضا، نظير البرابط و المزامير و الشطرنج، و كل ملهو به و الصلبان و الأصنام و ما أشبه ذلك، إلى أن قال: فحرام تعليمه و العمل به و أخذ الأجرة عليه، و جميع التقلب فيه من جميع وجوه الحركات»‌ و في‌ خبر أبي بصير المروي عن مستطرفات السرائر عن جامع البزنطي عن الصادق عليه السلام أيضا «بيع الشطرنج حرام و أكل ثمنه سحت و اتخاذها كفر، و اللعب بها شرك و السلام على اللاهي معصية و كبيرة، و الخائض يده فيها كالخائض يده في لحم الخنزير و المرسل المقلب لها أي الشطرنج كالمقلب لحم الخنزير»‌. » (محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام 1404 ه.ق، ج22، ص26)

نکته ای که بسیار مهم است عنوان این بحث میباشد که در کلمات برخی دیگر از فقها نیز آمده بود. در این عنوان قرار است از آن چیزهایی بحث شود که مقصود و هدف یا غایت آن حرمت دارد و بخاطر آن تکسبشان حرام شده است. بنابراین، آنچه که در این عنوان تکسبش حرام شده است، حرمت ذاتی و فی نفسه ندارد.

با این توضیح، جناب صاحب جواهر، دو مثال را برای این عنوان بیان میکنند. آلات لهو و آلات قمار. در آلات قمار نیز دو مثال بیان میکنند که یکی از آنها شطرنج است. تا اینجا مشخص میشود که تکسب به شطرنج، بخاطر اینکه از آلات قمار است حرام شمرده شده است.

در بخش اول ادله، ایشان ابتدا بیان میکنند که در این زمینه که تکسب شطرنج به خاطر اینکه از آلات قمار است، فحص کردند و خلافی پیدا نکرده اند. بعد از آن پا را فراتر گذاشته و ادعای وجود اجماع محصل و منقول میکنند.

در بخش دوم ادله، مرحوم صاحب جواهر، نصوص و روایتی را بیان میکنند که دال بر این مطلب است که شارع متعال شطرنج و امثال آن را به خاطر اینکه از آلات قمار یا لهو هستند حرام نموده است.

در روایت اول که از تحف العقول نقل شده است یک عبارت کلیدی است که مضمونش این است که هر گونه تصرف در شطرنج و امثال آن حرام است. اطلاق این روایت شامل لعب با شطرنجی که از آلات مختصه قمار بوده ولو بدون قمار هم میشود. در روایت دوم که از کتاب السرائر از جامع بزنطی نقل میکنند، مضمونش این است که لعب به شطرنج را شرک است.

جناب صاحب جواهر ذیل نوع چهارم از مکاسب محرمه با عنوان آنچه که فی نفسه حرام است، در بحث قمار، صاحب جواهر چنین میفرمایند:« أما إذا لم يعتد المقامرة به، فالظاهر عدم حرمته مع عدم الرهان، للأصل و انصراف أدلة المقام إلى غيره، و السيرة القطعية من الأعوام و العلماء، في المغالبة بالأبدان و غيرها، و قد روى مغالبة الحسن و الحسين عليهما السلام بمحضر من النبي صلى الله عليه و آله، بل و مع الرهان أيضا و إن حرم هو، لأنه أكل مال بالباطل دونه، لما عرفت مما لا معارض له، و دعوى أنه من اللعب و اللهو المشغول عنهما المؤمن، يدفعه منع كونه من اللعب المحرم، إذ لا عموم، بل و لا إطلاق على وجه يصلح لشمول ذلك و نحوه، خصوصا‌ بعد ملاحظة ما عرفته من السيرة المستقيمة، بل لعله مندرج فيما دل على مداعبة المؤمنين و مزاحمهم، بل لو أخذ الرهن الذي فرض لهذا القسم بعنوان الوفاء بالوعد الذي هو نذر لا كفارة له، و مع طيب النفس من الباذل لا بعنوان أن المقامرة المزبورة، أوجبته و ألزمته، و انها كغيرها من العقود المشروعة، أمكن القول بجوازه، نعم هو مشكل في القسم الأول، و إن فرض الحال فيه أيضا، بناء على حرمة كل ما ترتب على المحرم، و لو جزاء أو وعدا أو نحوهما، كما أشرنا إليه السابق، و قلنا أن في خبر تحف العقول نوع إيماء إليه، و إن كان لا يخلو من بحث.»(محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، 1404ه.ق، ج22، ص11)

در این فراز از بحث صاحب جواهر، صحبت از لعب با غیر آلات قمار بدون قمار و رهن میباشد. نظر ایشان این است که بدون قمار، بازی با آلات غیر مختصه قمار اشکال ندارد. زیرا دلیلی بر حرمتش نداریم و مادامی که دلیل بر حرمت نداشتیم اصل بر برائت میباشد. همچنین روایاتی که در زمینه قمار و لعب با آلات مختصه قمار بیان شده است، از حرمت این فرض انصراف دارند. دلیل سوم سیره متشرعه و علماء است. حتی ایشان صرف لعب را با رهان یا همان قمار هم حرام نمیدانند. زیرا رهان و قمار جدای از لعب است.

در ادامه اشاره به دلیلی میکنند که برخی برای حرمت لعب بیان کرده اند. برخی استناد کرده اند به یک روایت و حرمت لعب را برای مؤمن مطلقا حرام دانسته اند. ایشان خدشه در این دلیل میکنند و بیان میکنند که آن روایت منصرف به لعب حرام است. ضمن اینکه ما در روایات داریم که مؤمنین اهل مزاح و تفریح هستند.

این بیانات صاحب جواهر همانطور که گفته شد در خصوص آلات غیر مختصه قمار است و شطرنج را شامل نمیشود. اما با توجه به اینکه فرض ما این است که شطرنج از آلات قمار خارج شده، لذا این بیانات برای ما کاربرد دارد. زیرا برخی از فقها گفته اند در فرضی که قمار نباشد، بازهم شطرنج حرام است و ایشان با این بیان، در استدلال آنها خدشه وارد کرده است.

سید احمد خوانساری

آیت الله خوانساری ذیل مبحث « اللعب بآلات القمار من دون رهن» مرحوم خوانساری بعد از ادله ای که برای حرمت لعب با آلات قمار استفاده شده است، چنین میفرمایند:« و يمكن أن يقال: أمّا رواية تحف العقول[[4]](#footnote-4) فيشكل شمولها لما نحن فيه لأنّ اللّعب بدون الرّهن يعدّ لغوا و شمول ما يجي‌ء منه الفساد محضا غير ظاهر إلّا أن يقال: غلبة أحد اللّاعبين توجب عداوة المغلوب منهما و عدّ هذه فسادا منهيّا عنه لا تخلو عن إشكال. و أمّا رواية أبي الجارود[[5]](#footnote-5) فالمستفاد منها حرمة بيع آلات القمار و لا نفهم دلالتها على حرمة اللّعب بدون الرّهن، و أمّا ما عن أمير المؤمنين[[6]](#footnote-6) عليه الصلاة و السلام فلا يستفاد منه الحرمة و إلّا لزم حرمة كلّ أمر مباح الهي عن ذكر اللّه تعالى. و أمّا رواية الفضيل[[7]](#footnote-7) و الموثّقة[[8]](#footnote-8) فاستفادة الحرمة منهما من جهة الطرفيّة مع الحقّ مشكلة ألا ترى أنّ اللّغو لا يكون حقّا فهو يكون باطلا، و مع ذلك لا يكون محرّما و كذلك تكلّم الإنسان بما لا يعنيه لا يكون حقّا فيكون باطلا لا يعدّ من المحرّمات.» (سید احمد بن یوسف، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، 1405ه.ق، ج3، ص27)

جناب خوانساری در همه ادله خدشه وارد میکنند. در روایتی که منقول در کتاب تحف العقول است به شمول روایت نسبت به لعب بدون رهن که فساد محض دارد خدشه وارد میکنند. در روایتی که از ابی جاورد نقل شده و از آن حرمت بیع آلات قمار استفاده شده نسبت به دلالت حرمت لعب بدون رهن، اشکال وارد کردند و نپذیرفتند. سپس برای حرمتی که برای مطلق لعب استفاده شده است در روایتی که منقول از امیر المؤمنین علیه السلام است، تالی فاسد بیان میکنند که آن تالی فاسد حرمت کل امور مباحی است که موجب فراموشی از ذکر خداست میباشد. لذا نمیپذیرند. در آخر نظرشان را نسبت به دو روایت فضیل و موثق زراره بیان میفرمایند. نظرشان این است که هر باطلی محرم نمیباشد و برای امر باطلی که محرم نیست، سخن گفتن به باطل و بیهوده را مثال میزنند که حرمتی ندارد.

بنابراین بیانات مرحوم خوانساری، نتیجه ای که بدست می آید این است که ایشان حرمت لعب با آلات مختصه قمار را بدون رهن و قمار خالی از اشکال نمیدانند. پس ولو اینکه شطرنج از آلات مختصه قمار باشد اما با آن قمار نشود، لعب آن حرمتی ندارد. حال اگر طبق فرض ما، شطرنج از آلات قمار خارج شود، به طریق اولی دیگر حرمتی نخواهد داشت.

بیان این نکته حائز اهمیت است که آیت الله خوانساری فقیهی بودند که که جرأت به خرج دادند و صرف نظر از نگاه مشهور که بین متشرعین هم رسوخ کرده بود مبنی بر اینکه شکی در حرمت شطرنج نیست، ادله حرمت شطرنج را بازخوانی کرده و در همه آنها خدشه کردند.

سید ابوالقاسم خوئی

آیت الله خوئی در پاسخ به سوالی اینگونه بیان میکنند:« إذا خرجت الآلة المعدّة للقمار- كالنرد و الشطرنج فرضا- عن كونها آلة له، بأن تصير مثلا من آلات الرياضة، فهل يجوز حينذاك اللعب بها من دون رهان أم لا؟ الخوئي: لا يجوز مطلقا.»(خوئی، صراط النجاة، 1416ه.ق، ج 1، ص375)

همانطوری که پیداست، نظر ایشان حرمت شطرنج به صورت مطلق است. چه اینکه از آلات قمار خارج شده باشد چه اینکه خارج نشده باشد.

جواد تبریزی

در ذیل همان سوالی که از آیت الله خویی پرسیده شده بود، جوابی از آیت الله تبریزی هم نقل شده است که اینگونه است:« التبريزي: إذا خرج عن كونه آلة قمار بحيث لا يقامر به أصلا و لو في ‌بلد ما فلا بأس باللعب به بلا رهان.» (خوئی، صراط النجاة، 1416ه.ق، ج 1، ص375)

همچنین در متن استفتاء دیگری از ایشان آمده است:« ما حكم لو لعب المكلف الشطرنج، و قد بنى على نفسه أن هذه اللعبة لعبة للرياضة العقلية و ليست من أدوات القمار؟ و هل يتغير الحكم لو كان في الحاسب الآلي؟ إذا لم يحرز خروج الشطرنج و نحوه عن عنوان أدوات القمار في جميع‌ المجتمعات، فلا يجوز اللعب به حتّى للتسلية و تنشيط الذهن، و اللّه العالم.»(تبریزی، صراط النجاة، 1427ه.ق، ج9، ص262)

فتوای ایشان در مورد لعب شطرنج در فرضی که از آلت قمار خارج شده است، حلیت لعب شطرنج میباشد. در غیر اینصورت شطرنج ولو اینکه با آن قمار نشود، لعب آن حرمت خواهد داشت.

نتیجه

 با بررسی کلمات فقهای متأخر، شاهد یک پیشرفتی به نسبت قدما بودیم. در بین این فقها، بودند فقهایی که خدشه در ادله حرمت لعب شطرنج وارد کردند و قائل به حلیت لعب شطرنج در فرض مذکور شدند. شاید گذشت زمان و وسعت یافتن دید، در این پیشرفت و نوع نگاه فقها به ادله بی تأثیر نبوده باشد.

فصل چهارم: بررسی شطرنج در روایات و تبیین نظریه امام خمینی(ره)

اکتفا به دیدن استدلالات فقها و ادله و روایاتی که مورد استفاده قرار داده اند به نظر کار درستی نیست. در بررسی حکم فقهی، باید مستقیما با ادله ای که قابلیت استفاده در بحث دارند مواجه شد. زیرا امکان دارد نکته ای مغفول مانده باشد یا اینکه همه روایات مورد بحث و استدلال فقها واقع نشده باشد. در آخر همه بررسی ها را انجام دادیم تا بهتر بتوانیم به مقصود اصلی مان از پژوهش که تبیین نظریه امام(ره) بود بپردازیم.

بررسی عناوین محرمه شطرنج در روایات

باطل

روایتی در کتاب کافی نقل شده است:«علِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الشِّطْرَنْجُ مِنَ الْبَاطِلِ» (محمد بن یعقوب، الکافی(ط\_الاسلامیه) 1407ه.ق، ج6، ص435). این روایت به لحاظ سندی دچار مشکل است. زیرا در پایان سند، «عمن ذکره» آمده که دال بر این مطلب است که سند در ادامه مجهول است و راوی مشخص نیست. اما به لحاظ مفاد، شطرنج از امور باطله معرفی شده است. اما صرف اینکه شطرنج از امور باطله شمره شده است دلیل نمیشود که حرمت هم داشته باشد.

در روایت دیگری اما آمده است که:«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الشِّطْرَنْجِ وَ عَنْ لُعْبَةِ شَبِيبٍ الَّتِي يُقَالُ لَهَا لُعْبَةُ الْأَمِيرِ وَ عَنْ لُعْبَةِ الثَّلَاثِ فَقَالَ أَ رَأَيْتَكَ إِذَا مُيِّزَ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ مَعَ أَيِّهِمَا يَكُونُ قَالَ قُلْتُ مَعَ الْبَاطِلِ قَالَ فَلَا خَيْرَ فِيهِ.» (محمد بن یعقوب، الکافی(ط\_الاسلامیه) 1407ه.ق، ج6، ص435). به لحاظ سندی این روایت از روایات موثقه محسوب میشود. زیرا ابن فضّال و علی بن عقبه و ابن بکیر، هر سه فطحی المذهب هستند. اما به لحاظ مفاد روایت، شطرنج مانند روایت قبل از امور باطله خوانده شده است با این تفاوت که در آخر گفته شده که خیری در این امور باطله نیست. به نظر میرسد که این بیان قابلیت داشته باشد که حرمت آور باشد اما واقعیت این است که ظهور در حرمت ندارد. صرف اینکه یک چیزی، خیر در آن نباشد دلیل نمیشود که حرام باشد.

میسر

روایتی به این بیان نقل شده است:«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: النَّرْدُ وَ الشِّطْرَنْجُ وَ الْأَرْبَعَةَ عَشَرَ بِمَنْزِلَةٍ وَاحِدَةٍ وَ كُلُّ مَا قُومِرَ عَلَيْهِ فَهُوَ مَيْسِرٌ.» (محمد بن یعقوب، الکافی(ط\_الاسلامیه) 1407ه.ق، ج6، ص435). در بررسی سندی این روایت از روایات صحیح السند محسوب میشود. زیرا که همه روات آن امامی ثقه هستند. اما در بررسی محتوایی، از شطرنج و هر آنچه که به وسیله آن قمار میشود، با عنوان میسر یاد شده است.

این عنوان در ذیل آیه 90 سوره مائده آمده است و امر به اجتناب از آن شده است. « يا أَيُّهَا اَلَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا اَلْخَمْرُ وَ اَلْمَيْسِرُ وَ اَلْأَنْصابُ وَ اَلْأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ اَلشَّيْطانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» . این عنوان میتواند حرمت شطرنج را اثبات کند اما یک نکته ای در این بین میباشد و آن این است که میسر عنوانی است که در فرض ما کاربرد ندارد. زیرا فرض ما این است که شطرنج از آلات قمار خارج شده باشد و با آن قمار نشود. نتیجه این که این عنوان هم با اینکه قابلیت تحریم لعب شطرنج را دارد اما چون با فرض ما سازگار نیست کنار گذاشته میشود.

رجس

روایتی با این عنوان مطرح شده است:« مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعاً عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثٰانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ فَقَالَ الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشِّطْرَنْجُ وَ قَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ.» (محمد بن یعقوب، الکافی(ط\_الاسلامیه) 1407ه.ق، ج6، ص435). به لحاظ سندی، این روایت در برخی از روات دچار اختلاف میباشد اما ظاهرا صحیح السند میباشد. اما به لحاظ محتوایی، شطرنج تحت عنوان رجس قرار داده شده است. در ذیل روایت، آیه 30 سوره مبارکه حج آمده است که امر به ترک و اجتناب رجس کرده است. ظاهر امر در وجوب است. لذا اجتناب از رجس واجب میباشد. بنابراین انجام رجس که همان شطرنج است حرام میباشد.

بیانی که برای حرمت شطرنج و لعب آن آورده شد در صورتی صحیح است که اخذ به اطلاق روایت در مورد شطرنج کنیم. اما با توجه به اینکه این روایت در فضایی صادر شده است که تنها مصداق لعب شطرنج، لعب با قمار بوده است، میتوان گفت که اطلاق روایت صحیح نیست بلکه شطرنج انصراف به مصداق اخص آن یعنی شطرنج با قمار دارد. با این ادعای انصراف، بازهم حرمت لعب شطرنج در فرض مد نظر ما ثابت نمیشود.

مجلس غیر منظور خداوند متعال

روایت اینگونه نقل شده است:« عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ مِنَ الْبَصْرِيِّينَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَقْعُدُ مَعَ قَوْمٍ يَلْعَبُونَ بِالشِّطْرَنْجِ وَ لَسْتُ أَلْعَبُ بِهَا وَ لَكِنْ أَنْظُرُ فَقَالَ مَا لَكَ وَ لِمَجْلِسٍ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى أَهْلِهِ. »(محمد بن یعقوب، الکافی(ط\_الاسلامیه) 1407ه.ق، ج6، ص437). به لحاظ سندی این حدیث صحیح السند است. اما به لحاظ دلالت، خداوند متعال از مجلسی که در آن با شطرنج بازی میشود رویگردان است و به آن نظر ندارد. شاید بتوان استفاده کرد که لازمه اش این است که لعب شطرنج مبغوض خداوند متعال است. آنچه مبغوض خداوند متعال است نیز اگر مفسده شدیده داشته باشد حرام میباشد.

این استدلال درست اما به این شرط که اطلاق لعب شطرنج پذیرفته شود. همانطوری که قبلا هم گفته شد، لعب شطرنج در فضای صدور روایت میتواند منصرف به لعب همراه با قمار باشد. لذا با پذیرش انصراف، لعب شطرنج در فرض ما داشت و با این عنوان حرمتی نخواهد داشت. ضمن اینکه اصل قبول این عنوان برای تحریم خالی از اشکال نیست. زیرا در صورتی که مبغوضیت شارع مقدس نسبت به مجلسی هم ثابت شود با این بیان نمیتوان نتیجه گرفت که حتما مفسده شدیده دارد. شاید مفسده قلیله داشته باشد و شاید اصلا نه مفسده داشته باشد نه مصلحت. بنابراین این عنوان هم برای حرمت لعب شطرنج در صورتی که از آلات مختصه قمار خارج شده باشد و دیگر با آن قمار صورت نگیرد، کاربرد ندارد.

فرد غیر مغفور خداوند غفور

دو روایت با این عنوان آمده است:« سَهْلٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ‌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: يَغْفِرُ اللَّهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَّا لِثَلَاثَةٍ صَاحِبِ مُسْكِرٍ أَوْ صَاحِبِ شَاهَيْنِ أَوْ مُشَاحِنٍ. / ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَكَمِ أَخِي هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عُتَقَاءَ مِنَ النَّارِ إِلَّا مَنْ أَفْطَرَ عَلَى‌ مُسْكِرٍ أَوْ مُشَاحِنٌ أَوْ صَاحِبَ شَاهَيْنِ قَالَ قُلْتُ وَ أَيُّ شَيْ‌ءٍ صَاحِبُ شَاهَيْنِ قَالَ الشِّطْرَنْجُ»(محمد بن یعقوب، الکافی(ط\_الاسلامیه) 1407ه.ق، ج6، ص437). روایت اول از روایات ضعیف السند اما روایت دوم صحیح السند میباشد. اما در زمنیه محتوای روایات باید گفت که هر دو روایت محتوایی شبیه هم دارند. هر دو روایت در مورد آمرزش پرورگار غفور در ماه مبارک رمضان میباشد. بنا به این دو روایت، شخص شطرنج باز در ماه رمضان از کسانی است که در ماه رمضان مورد آمرزش الهی واقع نمیشود.

ممکن است برای استفاده حرمت از این عنوان اینگونه گفته شود که در ماه رمضان که غفران الهی فوج فوج و بی حساب و کتاب به بندگان روزه دار میرسد، شطرنج باز مشمول این مغفرت الهی وسیع نمیشود. لازمه اش این است که شطرنج و شطرنج باز مبغوض شارع مقدس باشند. بنابراین بازی با شطرنج حرام است.

بازهم باید بحث اطلاق و انصراف و تقابل این دو را مطرح کرد. یعنی این پرسش بازهم در اینجا مطرح است که آیا مطلق لعب شطرنج نزد خداوند متعال مفسده دارد یا اینکه شطرنجی که به وسیله آن قمار میشود؟ به نظر میرسد قول به انصراف قوی باشد. زیرا فضای صدور روایات به نحوی است که استعمال شطرنج در غیر قمار یا نبوده یا بسیار نادر بوده است.

مقلّب لحم خنزیر

نقل شده است:« عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا تَقُولُ فِي الشِّطْرَنْجِ قَالَ الْمُقَلِّبُ لَهَا كَالْمُقَلِّبِ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ فَقُلْتُ مَا عَلَى مَنْ قَلَّبَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ قَالَ يَغْسِلُ يَدَهُ.»(محمد بن یعقوب، الکافی(ط\_الاسلامیه) 1407ه.ق، ج6، ص437). این روایت به لحاظ سندی صحیح است. مضمون روایت این است که هر کسی که تصرفی در شطرنج داشته باشد مانند کسی است که در گوشت خوک که نجس العین است تصرف داشته است. لذا باید برود و دستش را بشوید و طاهر کند. ممکن است استفاده شود که قطعا یکی از تصرفات، لعب با شطرنج است و این تشبیه نشان گر این مطلب است که مفسده ای که تصرف در گوشت خوک است، همان مفسده یا به اندازه آن در تصرف در شطرنج نیز وجود دارد. پس تصرف در شطرنج که یکی از اقسام آن بازی است، مبغوض و حرام میباشد.

جای بررسی دارد که تصرف در شطرنج بما هو شطرنج این مفسده را دارد یا تصرف در شطرنج بما اینکه آلت مختصه قمار است؟ احتمال انصراف در اینجا هم مطرح است و قوی به نظر میرسد.

لهو(دَد)

در یک روایت منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اینگونه آمده است:«و قوله[النبی] عليه السلام ما أنا من دد و لا الدد منّي».»(حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، 1414ه.ق، ج15، ص376).

 در کتب روایی شیعه، سندی برای این روایت یافت نکردم. احتمال دارد که این سند منقول از اهل سنت باشد. مفاد این روایت این است که دد که به معنای لهو و لعب است از پیامبر نیست. علامه حلی با استناد به این روایت حرمت شطرنج را اثبات کردند. زیرا شطرنج از لهو است.

در کلامی که از صاحب جواهر آورده شد، به این روایت استناد شد. اما ایشان با فرض پذیرش این روایت، حرمت مطلق لهو را نپذیرفتند و گفتند که در اینجا منظور لهو و لعب حرام منظور است.

توضیح استدلال امام خمینی(ره)

متن استفتاء

در نوزدهم شهریور ماه سال 1367 در مورد موضوع همین پژوهش، از مرحوم امام (ره) استفتاء شده است. متن استفتاء اینچنین است:« اگر شطرنج آلات قمار بودن خود را به طور کلی از دست داده باشد و چون امروز تنها به یک ورزش فکری از آن استفاده گردد بازی با آن چه صورتی دارد؟‏‏» و پاسخ امام (ره) به این بیان:« بر فرض مذکور اگر برد و باختی در بین نباشد اشکال ندارد.‏»(سایت امام خمینی)

اشکال حجت الاسلام قدیری به پاسخ امام

در دوم مهر ماه سال 1367 جناب قدیری نامه ای به استاد خودش، حضرت امام خمینی(ره) مینویسند که شامل اشکالاتی نسبت به مطالب مختلفی میباشد. از جمله این اشکالات، اشکال به فتوای جواز بازی بدون قمار شطرنج در فرض خروج شطرنج از آلات قمار میباشد. متن اشکال به صورت تقطیع شده مربوط به شطرنج چنین است:« در سؤال مفروض است که امروز شطرنج بکلی آلت قمار بودن خود را از دست داده و تنها به‏‎ ‎‏صورت ورزش فکری درآمده است و در جواب آمده است که بر فرض عمل مزبور اگر بُرد و باختی در‏‎ ‎‏بین نباشد اشکال ندارد. در اینجا سؤالاتی مطرح است. سائل محترم از کجا ادعا می کند که امروز شطرنج آلت قماربودن خود را بکلی از‏‎ ‎‏دست داده و تنها ورزش فکری شده است؟ و در روایت معتبره است از سکونی از حضرت صادق ـ علیه السلام:‏ قال: نهی رسول الله (ص) عن اللعب بالشطرنج و انزو... . دلیل اطلاق دارد. بنابراین استفاده می کنم که بازی شطرنج‏‎ ‎‏حرام است چه آلت قمار را از دست بدهد یا نه. و دعوای انصراف منشأ صحیحی می خواهد که به نظر‏‎ ‎‏نمیرسد و آنچه ممکن است گفته شود مثل غلبه یا آلیت در آن زمان منشأ صحیحی نیست. و البته در‏‎ ‎‏حد خودم در ادله فحص و به مطالب حضرتعالی هم مراجعه نمودم حجتی بر خلاف اطلاق مزبور‏‎ ‎‏نیافتم. ادلۀ میسر و لهو تطبیق بر آلات منافاتی با اطلاق ندارد و علت منصوصه ای هم در ادله نیست.»(سایت امام خمینی)

توضیح استدلال امام خمینی(ره) با توجه به نامه جناب قدیری

از نامه ایشان بدست می آید که امام راحل، برای حلیت شطرنج در فرض مزبور، اطلاق روایات دال بر حرمت لعب شطرنج در فرض خروج از آلت قمار را مورد خدشه دانسته اند و آن روایات را منصرف به فرضی دانسته اند که شطرنج از آلات قمار محسوب میشده است. همچنین با توجه به این نامه، حضرت امام (ره) منشأ انصراف را هم غلبه استعمال شطرنج در قمار یا آلیت شطرنج در قمار در همان زمان معصومین(علیهم السلام) بیان کرده اند.

پاسخ امام به اشکال حجت الاسلام قدیری

در دوم مهرماه سال 1367 مرحوم امام قدّس سرّه به اشکالات مطرح شده از سوی جناب قدیری در طی نامه ای پاسخ میدهند. چون نامه شامل پاسخ به چند اشکال و نصیحت است، متن تقطیع شده مربوط به فرض مورد بحث را بیان میکنیم:« پس از عرض سلام و قبل از پرداختن به دو مورد سؤال و جواب، اینجانب لازم است‏‎ ‎‏از برداشت جنابعالی از اخبار و احکام الهی اظهار تأسف کنم. بنا بر نوشتۀ جنابعالی زکات‏‎ ‎‏تنها برای مصارف فقرا و سایر اموری است که ذکرش رفته است و اکنون که مصارف به‏‎ ‎‏صدها مقابل آن رسیده است راهی نیست و «رِهان»‏‏ در «سَبْق»‏ و «رِمایه»‏‏ مختص‏‎ ‎‏است به تیر و کمان و اسب دوانی و امثال آن، که در جنگهای سابق به کار گرفته می شده‏‎ ‎‏است و امروز هم تنها در همان موارد است. و «انفال»‏  که بر شیعیان «تحلیل»‏ شده‏‎ ‎‏است، امروز هم شیعیان می توانند بدون هیچ مانعی با ماشینهای کذایی جنگلها را ازبین‏‎ ‎‏ببرند و آنچه را که باعث حفظ و سلامت محیط زیست است را نابود کنند و جان میلیونها‏‎ ‎‏انسان را به خطر بیندازند و هیچ کس هم حق نداشته باشد مانع آنها باشد، منازل و‏‎ ‎‏مساجدی که در خیابان کِشیها برای حل معضل ترافیک و حفظ جان هزاران نفر مورد‏‎ ‎‏احتیاج است، نباید تخریب گردد و امثال آن. و بالجمله آنگونه که جنابعالی از اخبار و‏‎ ‎‏روایات برداشت دارید، تمدن جدید بکلی باید از بین برود و مردم کوخ نشین بوده و یا‏‎ ‎‏برای همیشه در صحراها زندگی نمایند.‏

و اما راجع به سؤال، بازی با شطرنج در صورتی که ازآلت قمار بودن بکلی‏‎ ‎‏خارج شده باشد، باید عرض کنم که شما مراجعه کنید به کتاب جامع المدارک مرحوم‏‎ ‎‏آیت الله آقای حاج سید احمد خونساری که بازی با شطرنج را بدون رهن جایز می داند و‏‎ ‎‏در تمام ادله خدشه می کند، در صورتی که مقام احتیاط و تقوای ایشان و نیز مقام علمیت‏‎ ‎‏و دقت نظرشان معلوم است، اما اینکه نوشته اید از کجا سائل به دست آورده که شطرنج‏‎ ‎‏بکلی آلت قمار نیست، این از شما عجیب است، چون سؤالها و جوابها فرض است و‏‎ ‎‏بنابراین آنچه را من جواب داده ام در فرض مذکور است که اشکالی متوجه نیست و در‏‎ ‎‏صورت عدم احراز باید بازی نکنند.» (سایت امام خمینی)

توضیح استدلال امام خمینی با توجه به پاسخ نامه به جناب قدیری

نکته بسیار حائز اهمیت در پاسخ امام (ره) مقدمه ای است که برای پاسخشان ارائه میدهند است. مفاد مقدمه ایشان در واقع توجه به زمان و مکان است. ایشان با اشاره به امثله فقهی مختلف، این نکته را متذکر میشوند که در زمان معصوم(علیه السلام) ممکن است بخاطر اقتضای زمانه، مصادیق احکام الله متفاوت با زمان حال باشد و این اختلاف اقتضائات که منجر به اختلاف در مصادیق شده است نباید نادیده گرفته شود. پس باید در برداشت از ادله الهی زمانه و شرایط و اقتضائاتش را در نظر گرفت. در مورد هدف از بیان این مقدمه در پاسخ به اشکال جناب قدیری مبنی بر عدم انصراف، باید گفت که امام راحل(ره) خواستند که جناب قدیری را متوجه به شرایط زمان معصوم و فضای صدور این روایات کنند تا به این راحتی اخذ به اطلاق نکنند.

در ادامه، بعد از توجه دادن به شرایط زمانه، برای اثبات انصراف و ابطال اطلاق، رجوع به کلام آیت الله سید احمد خوانساری میدهند. همانطوری که در گذشته بیان شد، مرحوم خوانساری در تمامی ادله ای که قابلیت تحریم لعب شطرنجی که خارج از آلات قمار است، خدشه کردند و اخذ به اطلاق نکردند. با توجه به این ارجاع مشخص میشود که مرحوم امام (ره) استدلال مرحوم خوانساری مبنی بر عدم اطلاق را پذیرفته اند.

جمع بندی استدلال امام خمینی(ره)

هر عصر، شرایط زمانی و اقتضائات خاص خودش را دارد. در عصری که معصومین(علیهم السلام) هم زندگی میکردند، شرایط خاص خودش را داشته است. تقنین حکیمانه این است که در هر عصر شرایط و اقتضائات در نظر گرفته شود و طبق آن شرایط و اقتضائات قانون گذاری شود.

در زمان معصومین(علیهم السلام) با توجه به اینکه بازی شطرنج یک مصداق بسیار غالبی داشته که همان بازی شطرنج با قمار بوده است و به همین خاطر شطرنج اصلا از آلات مختصه قمار محسوب میشده است، حکیمانه و بسیار عقلایی است که شارع مقدس با بیان مطلق لعب شطرنج را تحریم کنند. زیرا در قمار مفسده ای بسیار شدید است که شارع میخواهد به طور کلی در بین مسلمین از بین برود. لذا اگر بازی با آلت مختصه قمار را حتی بدون قمار و با بیان مطلق تحریم میکند به این خاطر است که میخواهد نام و یاد قمار را هم از میان مسلمین بردارد.

اما این مطلق گویی نباید مانع از آن شود که مقصود کلام حضرات معصومین(علیهم السلام) مخفی بماند. درست است که در زمانهای بسیاری فرض دیگری در واقع و بین مسلمین برای بازی شطرنج غیر از قمار کردن مطرح نبوده یا بسیار نادر بوده اما همچنان باید توجه داشت که این تحریم فقط ناظر به آن فضا اعمال شده است. بنابراین، اگر زمانی فرا برسد که فرض خروج شطرنج از آلیت قمار و بازی با آن صرفا به عنوان بازی فکری قوت بگیرد و فرض سابق نادر شود به طوری که نادیده در نظر گرفته شود، اخذ به اطلاق ادله ای که در زمان گذشته با شرایط خاصی که گذشت صحیح نیست. لذا ادعای انصراف ادعای گزاف و ضعیفی نیست و در عصر ما کاملا این ادعا قابل دفاع میباشد.

نتیجه نهایی

شطرنج صرفا یک بازی فکری است و به نظر میرسد که در خود ویژگی خاصی ندارد که مبغوض شارع متعال بوده تا سبب اعمال تحریم او شود. قدمای از فقها بی توجه به شطرنج خارج شده از آلات قمار نبوده اند و با اینکه به این فرض تصریح نکرده اند اما در مفهوم و پشت پرده کلامشان میتوان دست یافت که بی توجه به این فرض هم نبوده اند. حتی از مفهوم کلامشان میتوان فهمید که اگر همچنین فرضی در زمانشان وجود داشت، قائل به جواز و حلیت بازی شطرنج نیز میشدند. در بین متاخرین اما، به خاطر پررنگ بودن استدلالهایشان پیشرفت هایی دیده میشود و البته تقابل هایی هم وجود دارد. تقابلی که بسیار پرنگ شده، تقابل اطلاق و انصراف است. با بررسی در روایات نیز، نتیجه ای که بدست آمد این بود که واقعا اطلاق گیری سخت است و ادعای انصراف بسیار محتمل میباشد. در نهایت با توجه به استدلالات و نکاتی که امام راحل(ره) در زمینه توجه به شرایط زمان و مکان و اقتضائات آن بیان فرمودند، نتیجه این شد که احتمال انصراف بسیار قوی است و ادله حرمت شطرنج تنها ظهور در فرضی دارند که شطرنج از آلات قمار بوده و استعمال غالبی در قمار داشته است. با این بیان دلیلی بر حرمت بازی بدون قمار شطرنج در زمانی که به کلی از آلیت قمار خارج شده، نداریم. در اینصورت باید گفت که تا زمانی که دلیل بر حرمت نباشد، بازی شطرنج در فرض عدم صدق آلیت قمار و بدون صدق سایر عناوین محرمه فی حد نفسه جایز است.

منابع و مآخذ

سایت فدراسیون شطرنج جمهوری اسلامی ایرانwww.ircf.ir

سایت خبرگذاری خبرنگاران جوان www.yjc.ir

سایت نوفه www.noofeh.com

سایت امام خمینی (ره) www.imam-khomeini.ir

المقنع، شیخ صدوق ، 1415ه.ق، مؤسسه امام هادى عليه السلام‌

المقنعة، شیخ مفید، 1413ه.ق، کنگره جهانی شیخ مفید

رسائل الشریف المرتضی، سید مرتضی، 1405ه.ق، دار القرآن کریم

الکافی فی الفقه، ابوالصلاح حلبی، 1403ه.ق، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام

المراسم العلویه و الاحکام النبویة، سلّار، 1404ه.ق، منشورات الحرمین

المبسوط فی فقه الامامیه، شیخ طوسی، 1387ه.ق، المکتبة المرتضویة لإحیاء آثار الجعفریة

النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، شیخ طوسی، 1400ه.ق، دار الکتاب العربی

السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ابن ادریس، 1410ه.ق، انتشارات اسلامی

کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، فاضل آبی، 1417ه.ق، انتشارات اسلامی

شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، محقق حلی، 1408ه.ق، موسسه اسماعیلیان

تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الإمامیه(ط\_الحدیثه)، علامه حلی، 1420ه.ق، موسسه امام صادق علیه السلام

منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، علامه حلی، 1412ه.ق، مجمع البحوث الاسلامیه

جامع المقاصد فی شرح القواعد، محقق کرکی، 1414ه.ق، موسسه آل البیت علیهم السلام

اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، شهید اول، 1410ه.ق، دار التراث

مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، شهید ثانی، 1413ه.ق، موسسة المعارف الاسلامیه

جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محمد حسن نجفی، 1404ه.ق، دار احیاء التراث العربی

جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، سید احمد خوانساری، 1405ه.ق، موسسه اسماعیلیان

المکاسب المحرمه(ط\_الحدیثه)، شیخ انصاری، 1405ه.ق، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری

صراط النجاة، سید ابوالقاسم خوئی، 1416ه.ق، مکتب نشر المنتخب

صراط النجاة، جواد تبریزی، 1427ه.ق، دار الصدیقة الشهیدة

الکافی(ط\_الاسلامیه)، شیخ کلینی، 1407ه.ق، دار الکتب الاسلامیه

1. <https://ircf.ir/About/6> فدراسیون شطرنج جمهوری اسلامی ایران [↑](#footnote-ref-1)
2. [https://www.yjc.ir/fa/news/4023606](https://www.yjc.ir/fa/news/4023606/%D9%86%DA%AF%D8%A7%D9%87%D9%8A-%D8%A8%D9%87-%D8%AA%D8%A7%D8%B1%D9%8A%D8%AE%DA%86%D9%87-%D8%B4%D8%B7%D8%B1%D9%86%D8%AC-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D9%8A%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D9%88-%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86) خبرگذاری خبرنگاران جوان [↑](#footnote-ref-2)
3. <https://www.noofeh.com/buzz> سایت نوفه [↑](#footnote-ref-3)
4. خبر تحف العقول عن الصادق عليه السلام «إنما حرم الله الصناعات التي هي حرام كلها، التي يجي‌ء منها الفساد محضا، نظير البرابط و المزامير و الشطرنج، و كل ملهو به و الصلبان و الأصنام و ما أشبه ذلك، إلى أن قال: فحرام تعليمه و العمل به و أخذ الأجرة عليه، و جميع التقلب فيه من جميع وجوه الحركات»‌ [↑](#footnote-ref-4)
5. و في تفسير القمّي عن أبي الجارود عن أبي جعفر عليهما السّلام في قوله تعالى «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصٰابُ وَ الْأَزْلٰامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطٰانِ فَاجْتَنِبُوهُ» قال: أمّا الخمر فكلّ مسكر من الشراب- إلى أن قال- و أمّا الميسر فالنرد و الشطرنج و كلّ قمار ميسر- إلى أن قال- و كلّ هذا بيعه و شرائه و الانتفاع بشي‌ء من هذا حرام محرّم [↑](#footnote-ref-5)
6. عن أمير المؤمنين عليه الصلاة و السلام في تفسير الميسر من أنّ «كلّما الهي عن ذكر اللّه فهو الميسر» [↑](#footnote-ref-6)
7. و رواية الفضيل «سألت أبا جعفر عليه السّلام عن هذه الأشياء الّتي يلعب بها الناس: النرد و الشطرنج حتّى انتهيت إلى السدّر قال: إذا ميزّ اللّه الحقّ من الباطل مع أيّهما يكون؟ قلت: مع الباطل قال: فما لك و للباطل» [↑](#footnote-ref-7)
8. موثّقة زرارة عن أبي عبد اللّه عليه السّلام «أنّه سئل عن الشطرنج و عن لعبة شبيب الّتي يقال لها: لعبة الأمير و عن لعبة الثلاث؟ فقال: أ رأيتك إذا ميّز الحقّ من الباطل مع أيّهما يكون؟ قلت: مع الباطل، قال: فلا خير فيه» [↑](#footnote-ref-8)